

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سید ملک - اتریش
۰۸ اکتوبر ۲۰۲۱



سید ملک

آیا این ها فیلسوف بودند یا متکلم

روشن است هدف اصلی فلسفه به صورت کل چرائی افرینش و تفکر در مورد خلقت، خالق و مخلوق است لهذا هر انسانی یک بار در موارد فوق فکر کرده باشد تفکر فلسفی دارد.

اما هدف متکلم چه عیسوی، چه یهودی و چه هم مسلمان و... توجیه گری ادیان بادلایل حتی دلایل به زعم ایشان عقلی است. که باید صراحتاً بیان کرد که دین اسلام قوی تر از عیسویت و یهودیت بوده است. مثلاً در حالی که در ساحه حقوقی یگانه دینی است که شامل هفت فامیل حقوقی جهان است اما از نگاه علم کلام متکلمین عیسویت دست بالاتر دارند. بناءً به نظریات تعدادی از متکلمین اسلام برخوردیم که من نمی توانم ایشان را فیلسوف بدانم مگر متکلم.

مثلاً فارابی که به حیث معلم ثانی مشهور شده است دست و پا بسته به تأئید فاتالیزم که یکی از اصول اسلامی است پرداخته و کاملاً همه چیز را بعد قدرت غیرمادی می دهد. وی عقیده داشت "خداوند از پیش می دانست کدام انسانی از او پیروی می کند و چه کسی نمی کند". وی ادامه می دهد "هرکسی وظیفه دارد خود را در مقابل حاکم- درینجا منظور از خدا است- مطیع شمرده و..."

ابن سینا و فارابی معتقد بودند که روح انسان دارای دو قسمت است که یک قسمت آن به طرف بدن و طرف دیگر به طرف خدا است. به عقیده ایشان روح انسان بعد از مرگ به طرف خدا می رود و کرات آسمانی بر سر نوشت انسان اثر دارند. نقد یا دیدگاه من اینست که در تورات و قرآن، تفکر در مورد روح ممنوع و امر مربوط به خدادانسته می شود ایشان از کجا صلاحیت تعبیر روح را داشتند و به دیدگاه من اینست که اگر روحی باشد همان تیوری آئینه و آفتاب درست تر است که آفتاب باعث روشنی آئینه میشود اما جز آئینه نیست. چه به کرات ثابت شده است که با ذبح حیوانات مدتی گوشت آنان

پرش دارد و اگر روحی باشد نمی شود قابل انقسام باشد . ثانیاً بعضی اعضای بدن که به اکسیجن نیاز کمتر دارند مانند گوش تا چند روز بعد از مردن زنده اند.

متفکر دگر جهان اسلام بنام امام غزالی تا جایی پیش می رود که در کتاب زوال فلسفه می گوید " فلسفه به سه علت مغایر با اسلام است. اول معاد، دوم روز قیامت و سوم تقدیر و سرنوشت. وی ادامه می دهد که روغن در چراغ بدون اراده خدا نمی سوزد وی می گوید حتی برگ درخت بدون اجازه خدا نمی افتد و آنقدر یاوه گوئی می کند که می گوید که در اثنای خالی کردن خود در کنار اب باید بعد از بیرون شدن شکر خدا را بجا آورد که اجازه داده است آنچه مضر است از بدن دفع شود و حتی در اثنای نزدیکی با خانم خود و در اثنای دخول باید الله و اکبر گفت.

این یاوه گوئی های غزالی در قرآنی که من سه ماه به دقت خواندم نیامده است و دیدگاه من اینست که اگر خدائی باشد بیش از تیوری خلقت تیوری آفرینش قابل قبول است یعنی طبق تیوری آفرینش تمام خواص دانه درخت به درخت انتقال نموده ، رشد و افتادن برگ درخت زاده میکایزم درونی درخت است که آزادانه به درخت انتقال داده شده است و اگر ما مجموعه خواص دانه و انتقال آن به درخت را روح درخت بدانیم می شود تا اندازه ای قبول کردو خالی کردن وجود زاده تفصیلات معده وروده است و بس.

و کسانی که به خدا معتقد اند نباید مقام آن را اینقدر پائین بیاورند.

بناءً باید بگویم که ایشان در فلسفه عمیقاً وارد بوده اند اما صاحب استعداد تفکرات فلسفی نمی باشند و از متکلم بالاتر چیزی نبوده اند. البته فارابی و ابن سینا در سایر مسایل افراد صاحب نظر و قابل افتخار اند